

فقه واجتهاد

دوفصلنامه تخصصی فقه و علوم وابسته
سال سوم، شماره ششم (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)
سال چهارم، شماره هفتم (بهار و تابستان ۱۳۹۶)



صاحب امتیاز: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام
مدیر مسئول: آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی
سر دبیر: دکتر حمید ستوده



شورای مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا):

سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم) / حمید ستوده (استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی ایران) / محمدجعفر طبعی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم) / سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی) / ابوالقاسم علیدوست (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمد قاضی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمدعلی قاسمی (استاد حوزه علمیه قم و مدرس جامعه المصطفی العالمیه) / محمدمهدی مقدادی (دانشیار دانشگاه مفید قم) / سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه و استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)



دبیر اجرایی: محسن شیرخانی
ویراستار فنی: رضا پورصدقی
همکاران مترجم در این شماره: حبیب ساعدی (عربی) - سید محمد سلطانی (انگلیسی)
نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد
تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵ - دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵
قیمت: ۴۵۰۰۰۰ ریال



Compensating the Weakness of Sanad of Hadith with Scholars' Act upon them

Ali Saedi

Abstract

The rule of compensating the weakness of sanad of hadith with scholars' act upon them has long been discussed by the jurists and has a great application in jurisprudential deduction. This article studies this issue with a critical analytical approach.

Although this rule has been approved by early Shia scholars, but later it became criticized and some arguments proposed against it. Generally, there are four opinions about this rule: absolute acceptance, absolute rejection, acceptance in the case of personal conjecture, and acceptance in the case of derived (mutalaqqat) principles.

This article studies these opinions and the arguments for early scholars' opinion. Undoubtedly, the certainty achieved by the act of scholars upon a hadith is stronger than the one by Rijali scholars.

Keywords: The Weakness of Sanad, Companions' Act, Compensation of the Weakness of Sanad, Scholars' Fatwa, Certainty of Authenticity.



جبران ضعف سند الرواية من خلال عمل الاصحاب

على السعيدى

٢٣٣

١٠

الخلاصة: ان قاعدة جبران ضعف السند من خلال عمل الاصحاب من القواعد التي كانت محط اهتمام الفقهاء منذ زمن بعيد ولها تطبيقات كثيرة وتأثيرات كبيرة في الاستنباطات الفقهية، وهذا المقال يحاول من خلال دراسة تحليلية وانتقادية بطريقة مكثبية تحليل هذه المسألة ودراستها. وعلى الرغم من أنه تم قبول هذه القاعدة منذ فترة طويلة عند الاصحاب، إلا أنه تم مناقشتها وذكرت عدة ادلة لردّها من قبل المتأخرين، مما أدى إلى اختلاف الآراء حول هذه القاعدة، وعلى العموم توجد أربع نظريات حول هذه المسألة. القول الموافق والمخالف وقبولها بشرط حصول الظن الشخصي، وقبولها في الاصول المتلقاة. وندرس في هذا المقال الآراء والأدلة المتوفرة التي تؤدي إلى ترجيح قول القدماء، القائلين بهذه النظرية، وبناء على هذا فان كان المتقدمون من الفقهاء يعملون بالرواية الضعيفة فاستناد الفقهاء بهذه الرواية يجبر ضعف سندها، ولا ريب ان الوثوق الذي حصل للفقهاء المستفاد من هذا الطريق هو اقوى من الوثوق الذي يحصل من خلال اقوال علماء الرجال.

الكلمات الرئيسية: ضعف سند الرواية، عمل المشهور، جبران ضعف السند، فتاوى الاصحاب، الاطمئنان بالصدور.



جبران ضعف سند روایت به واسطه عمل اصحاب

علی سعیدی*

چکیده

قاعده جبران ضعف سند با عمل اصحاب از دیرباز مورد گفتگوی دانشمندان فقهی است و کاربرد و تأثیر فراوانی در استنباطات فقهی دارد. این نوشته با نگاهی تحلیلی - انتقادی به روش کتابخانه‌ای در صدد است این مسئله را مورد بررسی قرار دهد. اگر چه از دیدگاه قدمای اصحاب این قاعده مورد پذیرش بود ولی بعدها توسط متأخرین، این قاعده مورد نقد قرار گرفت و ادله‌ای در رد آن مطرح گردید و در نتیجه آراء مخالفی نسبت به این قاعده شکل گرفت در مجموع چهار نظریه نسبت به این قول مطرح شده است؛ قول موافق، مخالف، پذیرش در فرض حصول ظن شخصی، پذیرش در اصول متلقا. در این نوشته بررسی آراء و ادله موجود منجر به ترجیح قول قدماء شده است که طرفدار این نظریه هستند. بنابراین چنانچه متقدمان از فقها به روایت ضعیفی عمل کرده‌اند از رهگذر استناد فقها به چنین روایتی ضعف آن جبران می‌شود. تردیدی نیست وثوقی که از این رهگذر برای فقیه به دست می‌آید قوی‌تر از وثوقی است که از گفته عالمان دانش رجال به دست می‌آید.

کلیدواژگان: ضعف سند روایت، عمل مشهور، جبران ضعف سند، فتوای اصحاب، اطمینان به صدور.

* پژوهشگر مرکز فقهی ائمه اطهار (عج).

مقدمه

استناد فقها به یک روایت ضعیف، نشانه اعتماد آنها به آن روایت است و شکی نیست که اعتماد آنها ناشی از قرائن و شواهدی است که چه بسا در دسترس فقهای متأخر نباشد؛ بنابراین عمل اصحاب به یک روایت، در ایجاد ظن یا اطمینان در صحت روایت تأثیرگذار است و در مواقعی می‌تواند منجر به حجیت روایت ضعیف شود در این‌که شهرت عملی آیا موجب جبران ضعف روایت می‌شود یا خیر اختلاف نظر وجود دارد. روش فقها در گذشته بر این اصل استوار بوده که روایتی که در جوامع حدیثی نقل شده و مورد استناد متقدمین برای فتوا است معتبر و قابل استناد می‌باشد؛ (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۴) و بسیاری از عالمان اصول بر این باورند که چنین روایتی معتبر و قابل استفاده است. (همو، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۷۳) چنین طریقه و روشی تا زمان شهید ثانی به طور مستمر استقرار داشت ولی برای نخستین بار، این روش از طرف شهید در کتاب «الرعایه فی علم الدرایه» مورد انتقاد قرار گرفت. (شهید ثانی، ۱۴۲۳ق، ص ۷۵ - ۷۴) سپس نواده او سید محمد عاملی از او پیروی کرد (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۳۲) و از فقهای معاصر، محقق خویی در کتاب‌های فقهی و اصولی خود بر این نظریه اصرار می‌ورزد (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۷، ص ۲۳۶) و بسیاری از شاگردان او نیز از وی پیروی می‌کنند. (تبریزی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۱۷۴؛ قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۴۱)

آنچه در پی می‌آید کوششی است در تبیین این اصل و قاعده فقهی - شهرت جابر ضعف سند - که در بسیاری از ابواب فقه دارای نقش تعیین‌کننده است.

شهرت در منابع فقهی به چندین معنا به کار رفته است: گاهی منظور از شهرت، شهرت روایی است که کاربرد آن در باب تعارض و یکی از مرجحات محسوب می‌شود و گاهی هم منظور از شهرت، شهرت فتوایی است که در باب امارات ظنی مطمح نظر و بحث می‌باشد و گاهی منظور از شهرت، شهرت عملی است و این معنا، موضوع بحث در این مقاله می‌باشد؛ چرا که شهرت عملی همان استناد فقها برای فتوا به روایت است. (فاضل لنکرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۱۶۳)

۱. آراء فقها

در این مسئله چند دیدگاه شکل گرفته است: برخی به گونه‌ای سخن رانده‌اند که از کلمات آنها بدون هیچ قیدی پذیرش این قاعده استفاده می‌شود؛ به تعبیری، کلام آنها دارای اطلاق است و بسیاری بر این نظر استوارند. از برخی کلمات دیگر به گونه‌ای تفصیل فهمیده می‌شود.

پذیرش قاعده در فرض حصول ظن شخصی و تفصیل در پذیرش در اصول متلقاة و عدم پذیرش در غیر این، و از عبارت برخی دیگر دیدگاه مخالف این قاعده برداشت می‌شود که در ذیل، این آراء و ادله آن ذکر و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱ - ۱. دیدگاه جبران ضعف سند با شهرت

برخی از فقها در فرضی که روایت متعارض نیست و در مجامع روایی مطرح است قابل استناد می‌دانند، برای مثال مرحوم شیخ طوسی می‌نویسد: «هر گاه روایتی با روایت دیگری معارض نباشد، در این صورت، عمل به آن واجب است، زیرا این روایت از روایاتی است که نقل آن اجماعی می‌باشد.» (طوسی، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۴). در کتاب *عدة الاصول* می‌گوید: «اگر روایتی در کتب اصحاب آمده است و در برابر آن روایت مخالفی با آن نباشد، عمل بر طبق آن واجب است چون بر نقل چنین روایتی اجماع فقها منعقد است. (طوسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۷۳) و باز می‌نویسد: «هر گاه اجماع محقق شد و دلیلی هم بر خلاف آن وجود نداشته باشد عمل بر طبق آن از قطعیات و مسلمات است.» (همان)

محقق حلی در *معارج الاصول* بر این باور است: «آنچه در مقام عمل به روایات لازم می‌باشد این است که باید از روایتی پیروی شود که اصحاب آن را نقل و فضلا به آن فتوا داده‌اند، و البته سایر علما با آن مخالفت نکرده باشد، اگر چنان که روایت سالم از معارض و مورد انکار نیز قرار نگرفته است و با فتوای اصحاب موافقت دارد، ارسال آن به صحت روایت خدشه‌ای وارد نمی‌کند.»

(محقق حلی، ۱۴۲۳ق، ص ۲۱۳)

مرحوم محقق روایتی را که از فرد ثقه‌ای نقل شده، ولی مورد استناد فضلا نیست قابل عمل نمی‌داند و این نشان می‌دهد که آنچه در نظر وی در اعتبار روایت دخیل است عمل اصحاب می‌باشد. (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۹۴)

فقه‌های بسیاری چنین رویکردی را نسبت به این قاعده دنبال کرده‌اند. (برای نمونه: شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۱۵؛ همو، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۶۶؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۷؛ شهید ثانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۰۴؛ محقق ثانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۹۱؛ اردبیلی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، صص ۲۷۰ - ۲۷۲؛ شیخ بهایی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۰۳؛ سبزواری، ۱۴۲۷ق، ج ۷، ص ۱۰۷؛ خوانساری، بی‌تا، ص ۷۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۷۰؛ عاملی حسینی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۰۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۶۷؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۶۲، ص ۲۵۸؛ میرزای قمی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۰۴؛ نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۶؛ نجفی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۲۹۷؛ انصاری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۵۰۷؛ یزدی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۰۷؛ یزدی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۰؛ نائینی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۹۵؛ نائینی، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۴۰۹؛ مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۲۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۲، ص ۴۷۰؛ همدانی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۶۰؛ نائینی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۷۷؛ عراقی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۵۹؛ مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۹۹؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۳۲؛ میرزای قمی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۶)

۱ - ۱ - ۱. ادله اعتبار خبر ضعیف منحصر به شهرت

برای انجبار ضعف سند روایت به عمل اصحاب به چند دلیل استدلال شده است؛

الف) اجماع

یکی از ادله‌ای که در لسان فقها برای قاعده مورد بحث مورد استناد قرار گرفته اجماع است. محقق حلی در عبارتی که از وی نقل شد دلیل مرحوم شیخ طوسی را بر عمل به روایت مشهور همین نکته می‌داند. (محقق حلی، ۱۴۲۳ق، ص ۲۱۳)

صاحب معالم نیز سخن محقق را مورد تأیید قرار داده است. (عاملی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۹۷)

در کلمات دیگران نیز اجماعی بودن این مسئله مورد پذیرش قرار گرفته است. (برای نمونه ر.ک: بهبهانی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۸۷؛ کاشف الغطاء، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۳)

ب) اطلاق آیه نبأ

طبق نظر برخی در صورتی که دلیل حجیت خبر واحد آیه نبأ باشد تحصیل ظن

را نیز شامل می‌شود؛ چرا که ظهور «تبیّن» اعم از تحصیل یقین است. از این رو، هرگاه از قرائن خارجی، ظنّ به صدق خبر فاقد حجیت به‌دست بیاید، این امر در اعتماد و عمل کردن به خبر غیر عادل کفایت می‌کند. (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۷۴) یکی از موجبات تبیین ظنی، به‌دست آوردن شهرت علما در عمل کردن به خبر یا همان شهرت روایی است یعنی نقل آن در اصول و کتب اصحاب شهرت دارد و بدین سبب بعضی از عالمان دانش اصول برای حجیت خبر ضعیف مشهور، به منطوق آیه نباء استشهاد کرده است. (همو، صص ۲۷۴ - ۲۷۵)

ج) مناقشه در استدلال به آیه نبا برای اعتبار خبر غیر عادل

شیخ مرتضی انصاری بر استدلال به آیه نبا برای اعتبار خبر غیر عادل مناقشه کرده است که کلمه «التبیّن» در تبیین علمی ظهور دارد و اگر چنان‌که منظور از تبیین، حصول ظنّ باشد امر به تبیین در خبر فاسق لغو خواهد بود؛ زیرا انسان عاقل به هیچ خبری عمل نمی‌کند مگر این‌که صدق آن بر کذبش رجحان داشته باشد. از این روی، امر به تبیین در آیه لغو خواهد بود.

د) دفع مناقشه

البته ممکن است از اشکال لغویت، این‌گونه پاسخ داده شود که مقصود از امر به تبیین در آیه کریمه، ارشاد و تنبّه دادن به این حقیقت است که شخص فاسق، شایستگی ندارد که به او اعتماد شود و هیچ وقت از دروغ او، کسی در امان نخواهد بود، اگر چه ظنّ به صدق سخن او فراهم شود. پس ممکن است ادعا شود که «تبیّن» بر اطمینانی صدق می‌کند که انسان از حالت تحیّر و تزلزل خارج شود به طوری که از نظر عرف عمل بر طبق آن در معرض ندامت و پشیمانی محسوب نمی‌شود. (انصاری، ج ۱، صص ۲۷۴ - ۲۷۵)

محقق نائینی در این مسئله از او پیروی کرده و گفته است: خبر ضعیفی که به عمل مشهور انجبار یافته به مقتضای منطوق آیه نبا حجّت می‌باشد؛ زیرا مفاد آن، این است که اگر خبر فاسق همراه با تبیین باشد حجّت است و عمل مشهور از جمله تبیین شمرده می‌شود. (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۰۹)

۲ - ۱. دیدگاه عدم جبران ضعف سند با شهرت

همان‌گونه که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت از زمان مرحوم شهید ثانی جبران ضعف سند به وسیله شهرت مورد انتقاد برخی از فقها قرار گرفته و در نتیجه مخالفینی نسبت به این قاعده پیدا شده است. شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۲۳ق، صص ۷۵ - ۷۴) و نواده او سید محمد عاملی (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۳۲) و محقق اصفهانی معتقدند که استشهار عمل به خبر ضعیف جابر ضعف سند آن نمی‌شود، و محقق خوبی (خوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۲۳۶) و جمعی از اعلام تلامذه او نیز با آنان موافقت کرده‌اند. (تبریزی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۱۷۴؛ قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۴۱)

۱ - ۲ - ۱. مناقشه شهید ثانی در قاعده جبران

شهید ثانی می‌گوید:

ادعا می‌کنند شهرت در جبر ضعف خبر موثر است این امر نزد ما ممنوع است زیرا این مطلب در صورتی تمام است که شهرت پیش از زمان شیخ طوسی رحمته الله تحقق داشته باشد در حالی که حقیقت این نیست زیرا فقها پیش از زمان شیخ طوسی پیرو دو مسلک بودند، گروهی از آنان از عمل به خبر واحد منع می‌کردند مانند سید مرتضی علم الهدی، و بسیار دیگری از فقیهان که این گروه از فقها مطلقاً به خبر واحد عمل نمی‌کردند و گروه دیگری از فقیهان همه احادیث را جمع آوری می‌کردند و آنها را حجت می‌دانستند، بدون در نظر گرفتن خبر صحیح و خبر ضعیف و فقهای که خارج از این دو گروه باشند بسیار اندک یا اصلاً وجود ندارند، چنان‌که این حقیقت از تتبع فقه و فقها به دست می‌آید. از این روی، عمل اصحاب به مضمون روایت ضعیف پیش از زمان شیخ طوسی بر وجهی که جابر ضعف سند باشد تحقق نیافته است. البته هرگاه شیخ طوسی در کتاب‌های فقهی خود به مضمون روایت ضعیفی استناد می‌کرد، فقیهانی که بعد از شیخ آمدند اکثراً از او تبعیت می‌کردند و در بین آنان فقهی دیده نمی‌شود که خودش احادیث را تحقیق و بررسی کرده و در ادله عمیق شود، مگر شیخ محقق ابن ادریس حلی که او عمل به خبر واحد را مطلقاً جایز

نمی‌دانست. سپس متأخرین، با توجه به عمل شیخ و تابعین او گمان کردند این اخبار مشهورند و چه بسا خصوصیتی در این خبرها وجود داشته که آنان بدان عمل کرده‌اند بنابراین این شهرت را جابر ضعف سند قرار دادند؛ و اگر شخص ژرف اندیش خوب دقت کند می‌یابد که برگشت این شهرت‌ها به شیخ می‌باشد و این نوع شهرت در جبران خبر ضعیف کفایت نمی‌کند. (شهید ثانی، ۱۴۲۳ق، صص ۷۵ - ۷۴)

۲ - ۲ - ۱. مناقشه صاحب مدارک در قاعده جبران

سید محمدعاملی در ذیل کلام محقق حلی درباره نظریه جبران ضعف سند می‌نویسد:

این دیدگاه محقق حلی از جهات گوناگون مورد ملاحظه می‌باشد؛ جهت اول این که محقق می‌گوید علت اعتبار خبر شخص این است که اصحاب به آن عمل کرده‌اند این معنی ممنوع است؛ زیرا برای اعتبار خبر ثقه ادله زیادی اقامه شده و آن ادله در جای مناسب آن بیان شده است و همچنین خود وی در چند مورد از کتابهایش تصریح می‌کند به این که عمل اصحاب حجّت نیست.

جهت دوم این که عقل از عمل به خبر ثقه با نبود عمل اصحاب منع کند ثابت نیست؛ زیرا عقل تعبد به خبر ثقه را محال نمی‌داند و همچنین اگر این نظریه پذیرفته شود که عقل از هر چه که قطعی نباشد منع می‌کند لازمه این امر این است که عمل به خبر ثقه، مطلقاً ممتنع باشد که بطلان آن مشخص است.

جهت سوم این که آنچه او در مورد عمل اصحاب به روایات ضعیف بیان کردند، با آنچه او در «علم اصول» آورده منافات دارد؛ زیرا او در کتاب اصولی خود تاکید می‌کند در اعتبار خبر واحد، مؤمن بودن راوی شرط است و روایت غیر مؤمن را معتبر نمی‌داند؛ علاوه بر آن، او در دفع کلام شیخ می‌گوید که شیعه به روایات بنی فضال و طاطری‌ها عمل نمی‌کنند، چون شیخ طوسی برای عدم اشتراط «ایمان» در اعتبار خبر استدلال می‌کند به این که اصحاب امامیه به روایات بنی فضال و طاطری‌ها و امثال آنان عمل می‌کنند ولی محقق حلی در جواب شیخ طوسی می‌گوید که تا زمان حاضر ثابت نشده که اصحاب

ما به روایات آنان عمل کرده باشند.» (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۳۲)

۳ - ۲ - ۱. مناقشه مرحوم خوئی در قاعده

مرحوم خوئی این بحث را در دو مقام به لحاظ کبروی و صغروی مورد نقد قرار داده است. وی در مقام اول می‌نویسد: «وجه بطلان اصل قاعده، این است که شهرت به خودی خود اعتبار ندارد و چیزی که خودش اعتبار ندارد چگونه موجب اعتبار خبر و جابر ضعف سند آن می‌شود؟ و تحقیقاً جایگاه شهرت نسبت به خبر ضعیف مانند جایگاه سنگ در کنار انسان می‌باشد.» (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۴۷، ص ۲۳۶) و در کتاب مصباح الاصول می‌گوید:

اگر ادعا شود که عمل مشهور، توثیق عملی راوی می‌باشد پاسخ این است که در عمل مشهور اجمال و ابهام وجود دارد و ما دقیقاً عمل آنان را نمی‌دانیم و محتمل است عمل آنان به خبر ضعیف به این جهت باشد که به حسب نظر و اجتهاد خودشان ثابت کرده‌اند که این حدیث مطابق واقع و حدیث صحیح است. از این رو عمل مشهور به خبر ضعیف توثیق عملی راوی آن به شمار نمی‌آید، به خصوص این که اصحاب به روایت دیگری از همین راوی عمل نمی‌کنند.

وی در مقام دوم یعنی به لحاظ صغروی (یعنی تحقق شهرت) چنین می‌نویسد:

حقیقت این است که اثبات استناد فقیهان در مقام عمل و فتوا به خبر ضعیف از اثبات اصل کبری مشکل تر است؛ زیرا معتقدان این قاعده، به اعتبار قرب عهد اصحاب به زمان امامان معصوم علیهم‌السلام و با توجه به این جهت که عمل آنان به خبر ضعیف از وجود قرینه‌ای کشف می‌کند که دال بر صحّت خبر است قائل به این قاعده شده‌اند و این در حالی است که قدمای اصحاب برای فتاوی خود متعرض استدلال نشده‌اند، و در کتب فقهی آنان مجرد فتاوا آمده است و دلیلی برای فتاوا ذکر نکرده‌اند. (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۴۷، ص ۲۳۶)

۴ - ۲ - ۱. مناقشه محقق اصفهانی در قاعده

محقق اصفهانی نیز قریب به اشکال مرحوم خوئی را دارد، وی می‌نویسد:

نهایت چیزی که از استناد به خبر ضعیف به دست می‌آید این است که این امر یا کاشف از وثاقت راوی در نزد آنان بوده و یا کاشف از وجود قرینه‌ای است که موجب اطمینان آنان به صدور روایت و صحت آن شده است.

همچنین اگر استناد به خبر ضعیف کاشف از وجود قرینه‌ای باشد که موجب وثوق به صدور به نظر آنان شده این امر سبب نمی‌شود که در نزد ما هم موجب وثوق به صدور باشد و این در حالی است که باید وثاقت راوی، یا وثوق به صدور روایت در نظر خود عامل به خبر شکل گیرد و وثوق دیگران کمکی به مجتهد نمی‌کند زیرا ممکن است اگر خود این راوی را بشناسد وثاقت او برایش ثابت نشود، و یا اگر خود، علم به قرینه پیدا کند در نزد وی این قرینه، موجب وثوق به صدور نشود.

وی سپس می‌نویسد:

انصاف این است که اگر همه قدما قرینه‌ای را به دست بیاورند که موجب وثوق باشد، و این حقیقت موجب وثوق مشهور باشد این امر برای نوع مردم، وثوق آور است و در نتیجه جبران ضعف سند می‌کند، ولی در اغلب شهرت‌ها چنین نیست؛ زیرا در اغلب آن‌ها فقهای متأخر از متقدمین تبعیت می‌کنند و این از حسن ظن آنها به قدما ناشی است. (اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۳۴)

۵ - ۲ - ۱. نقد دیدگاه فقها در عدم جبران

استدلالاتی منتقدین و نقدهای آنها نسبت به قاعده «جبران ضعف سند توسط شهرت» از طرف فقها به نقد کشیده شده است که در این قسمت ارائه می‌گردد.

الف) نقد کلام شهید ثانی

نسبت به کلام شهید ثانی در نقد این قاعده اشکالاتی وارد است؛ اشکال اول این است که چنین برداشت شد که متأخرین از زمان شیخ طوسی، مقلد وی بوده‌اند و بدون دلیل چنین رویکردی داشته‌اند در حالی که چنین نسبتی به

فقه‌های آن عصر درست نیست؛ چرا که حقیقت تقلید این است که رأی و اندیشه دیگری بدون دلیل پذیرفته شود در حالی که فقها به روایاتی که شیخ به آنها اعتماد کرده، اعتماد می‌کردند؛ یعنی این فقها به توثیقات و تصحیحات شیخ اعتماد داشتند. چه فرق است بین خبری که شیخ تک تک راویان آن را توثیق کرده و بین خبری که شیخ به صحت طریق آن شهادت داده به این صورت که هم خود او و هم جمعی از فقیهان به آن عمل کرده‌اند؟ نمی‌توان چنین رویکردی را تقلید نامید؛ چرا که در غیر این صورت، بسیاری از فقها حتی محقق و علامه علیه السلام هم باید مقلد نامیده شوند؛ زیرا آنان حالات اکثر رجال حدیث را نمی‌شناختند مگر از رهگذر اطمینان پیدا کردن از شهادت دانشمندان علم رجال مانند شیخ، نجاشی کشی و ...، و این کلام موجب تعریض شیخ حسن عاملی شده است آن جایی که این نسبت را از حمصی و ابن طاووس نیز نقل کرده و نوشته است: «تعجب است از این اشخاص که چگونه این تخیلات واهی را درباره فقها تصور و تلقی کردند و این نسبت شیعی را بر مجتهدان امامیه روا دانستند.» (عاملی به نقل مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، صص ۱۹۴ - ۱۹۶)

۸۷

جبران ضعف سند روایت به واسطه عمل اصحاب

اشکال دوم آن است که خود شهید ثانی به آنچه در بدایه گفته پای‌بند نبوده و از آن رجوع کرده است، چون در موارد بسیاری از کتاب‌های فقهی خود به قاعده «جبر ضعف سند به عمل مشهور» استدلال کرده است، بلکه او در کتاب مسالک الأفهام تصریح می‌کند که ضعف این روایت به شهرت در نزد اصحاب منجبر است؛ (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۹۶) و در کتاب *روض الجنان* نیز می‌نویسد: «ضعف علی بن ابی حمزه به جهت واقفی بودن به شهرت و عمل اصحاب منجبر است؛ (شهید ثانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۱۰) و در چند جای دیگری از این کتاب به این معنا اشاره کرده است. (برای نمونه ر.ک: همو، ج ۱، ص ۳۵۵) در کتاب *رسائل الشهید الثانی* نیز آمده است: «آنچه گفته می‌شود که ضعف اخبار به شهرت منجبر، و اثبات مذهب به خبر ضعیف ممکن است این نظر ضعیفی است ولی ضعف آن بواسطه شهرت منجبر است.» (شهید ثانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۱۰). در نهایت او در کتاب *مسالک الافهام* می‌گوید: «جبر ضعف سند به شهرت ضعیف و با شهرت مجبور است.» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۱۵۶)

ب) مناقشه در کلام صاحب مدارک

سید محمد عاملی نیز از آنچه قبلاً گفته که ضعف سند با شهرت جبر نمی‌شود، رجوع کرده است؛ زیرا او در چندین مورد از کتاب مدارک الاحکام تصریح می‌کند که ضعف سند با عمل اصحاب منجبر است، و می‌نویسد: «این روایات اگرچه سند آنها ضعیف است ولی فقهای طایفه امامیه بر طبق آنها عمل کرده‌اند، و معارضی هم ندارد و از این روی عمل به این روایات متعین است. (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۹۳) وی در جای دیگری از همان کتاب می‌گوید: «این روایات اگر چه یا ضعیف است یا مرسل، ولی آنها موید به عمل اصحاب می‌باشد. (همو، ج ۳، ص ۹۳). و همچنین در مقامات دیگر نیز چنین نظری از وی برداشت می‌شود. (ر.ک: همو، ج ۳، ص ۱۶۵؛ ج ۱، ص ۱۷۳)

ج) نقد و بررسی نظریه محقق اصفهانی در مورد قاعده جبر ضعف سند به شهرت

ظاهر کلمات محقق اصفهانی این است که شهرت قدمایی اگرچه محقق نیست، اما اگر عمل اصحاب بر طبق خبری ثابت شود این عمل سبب اطمینان خواهد بود؛ زیرا او تصریح می‌کند به این که انصاف این است که اگر شهرت کاشف از پیدا کردن اصحاب به قرینه ی باشد که موجب اطمینان است چنین شهرتی موجب وثوق نوعی و مفید خواهد بود. (اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۳۴) نیز او در کتاب الاجاره می‌گوید: «دلیل عمده به طور عموم بر ضمان روایت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌باشد: «علی الید ما اخذت حتی تودی» این روایت نبوی اگرچه راوی آن شقاوتمندترین مردم یعنی سمره بن جندب می‌باشد، ولی اصحاب این روایت را تلقی به قبول کرده‌اند و از این رو مناقشه در سند آن پذیرفته نیست». (اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۷۳)

به هر حال، آنچه بعد از بررسی آراء مختلف نتیجه می‌شود این است که هیچ اختلافی بین اصحاب نیست در این که ضعف سند به عمل اصحاب منجبر می‌شود و هیچ یک از فقها در این مسئله مخالفت نکرده‌اند مگر محقق خوئی که او در مباحث اصولی و فقهی خود شدیداً این قاعده را انکار کرده و در این نظریه متفرد است و هیچ یک از فقها در عمل با او موافق نیست.

د) نقد دیدگاه مرحوم خوئی

مرحوم آیت‌الله خوئی نسبت به قاعده جبران، دو اشکال دارد که یکی صغروی و دیگری کبروی است و به نظر می‌رسد هیچ یک از اشکالات وی به این قاعده وارد نیست؛ چرا که منع از صغرا هیچ وجهی ندارد؛ چون در موارد بسیاری اصحاب به اخبار ضعیف عمل کرده‌اند و انکار آن صحیح نیست و خود ایشان در شرح عروه به این امر تصریح کرده و گفته است: «ادعای انجبار ضعف سند روایت به عمل اصحاب نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا عمل اصحاب به این روایت قطعی و غیر قابل انکارست از این روی، در صغرای قاعده هیچ مناقشه‌ای نیست، ولی اصل کبرای کلی قاعده مورد مناقشه و اشکال است.» (خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۴۴۳ - ۴۴۴)

در نقد کبروی محقق خوئی نیز چنین مطرح شد که از ضمیمه کردن عدم به عدم، نتیجه‌ای جز عدم به دست نمی‌آید. بنابراین، با شهرت که خود فاقد اعتبار است نمی‌توان به چیز دیگر اعتبار بخشید. این دلیل اگرچه در ظاهر، برهان علمی است و قابل مناقشه و تردید نیست، ولی منع کبرا و انکار اصل قاعده جبر سند نیز قابل تأمل و مورد اشکال است؛ ولی کاستی‌هایی در این نظر وجود دارد که بیان آن به مقدماتی نیاز دارد.

مقدمه اول آن است که واژه «علم» به معنای اعتقاد جازم، ثابت و قطعی است که مطابق با واقع می‌باشد، و این معنا یقین نامیده می‌شود. (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۲۱۹) همچنین این واژه به معنای حالتی است که نفس با آن سکون، آرامش و اطمینان دارد (علم‌الهدی، ۱۳۶۳ش، ص ۴۸۱) و عرف به صدق و راستی آن حکم می‌کند و این معنا، اصطلاحاً علم عادی و علم عرفی نامیده می‌شود، و این اطمینان و سکون نفس چنان‌که به وسیله خبر شخص موثق و ضابط به دست می‌آید، نیز از خبر غیر ثقّه و غیر متهم به کذب به دست می‌آید که البته قرائن و شواهدی بر صدق آن وجود داشته باشد و این امر، آن علمی است که شارع آن را در زمینه اثبات احکام شرعی معتبر دانسته و عمل به آن را بر مکلفان واجب کرده است.

در مجمع البحرین می نویسد: «علم» آن یقینی است که احتمال در آن راه ندارد و هرگز احتمال خلاف در آن تصور نمی شود. معنای اصلی «علم» در لغت، شرع و عرف همین معنا است و در بسیاری از موارد واژه «علم» به اعتقاد راجحی که از سند یقینی یا سند ظنی روایت به دست می آید به کار می رود و از آن جمله، است آیه کریمه: ﴿فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ﴾ (ممتحنه، ۶۰) مفسران قرآن می گویند: منظور از علم در این آیه گمان است که پایین تر از علم است نه علم حقیقی؛ زیرا به دست آوردن آن غیر ممکن است و از گمان به علم تعبیر شده است به علت این که اعلام کند این گونه «ظن» در وجوب عمل بر طبق آن مانند علم است. (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۹۵۹)

مقدمه‌ی دوم: قدمای امامیه در تدوین کتاب‌های فقهی از رویه و روش خاصی پیروی می کردند مبنی بر این که فتوا طبق متن روایات تنظیم می شد و فتاوا از الفاظی که در روایات وارد شده فراتر نمی رفت، بنابراین عباراتی که در فتاوا به کار می رفت همه الفاظ احادیث بود البته بعد از حذف اسناد و اعمال نظر و دقت در تشخیص روایت صحیح از غیر صحیح. والد شیخ صدوق علی بن الحسن بن موسی بن بابویه، کتاب الشرائع را بر این روش تألیف کرد و فرزند او شیخ صدوق در تألیف دو کتاب المقنع و الهدایه از پدرش پیروی کرده است. همچنین شیخ مفید در کتاب المقنعه و شاگرد او شیخ الطائفه در کتاب النهایه و همچنین سایر قدمای از اصحاب، طبق همین روش مشی کرده اند. به این نکته بعضا خود این بزرگان یا دیگران تصریح کرده اند. (شیخ صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۵؛ طوسی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۲؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۱؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۶۲، ص ۲۵۸؛ بروجردی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۹)

آنچه از این مقدمات به دست می آید این است که حاصل این مقدمات و کلمات فقها بر این اساس استوار است که عمل مشهور و اعتماد اکثر متقدمین از فقها به خبر ضعیف موجب وثوق و اطمینان به صدور روایت از ائمه معصومین علیهم السلام می شود، زیرا اشتهاار فتوا در یک مسئله بین قدمای اصحاب امامیه کاشف از تلقی آنان از امامان معصوم علیهم السلام است، یعنی فقها این مسئله را دست به دست از اهل بیت علیهم السلام اخذ کرده اند چون سلسله فقه امامیه منقطع نشده و بین

فقه‌های امامیه و بین امامان معصوم علیهم‌السلام فترتی تحقق نیافته است و معیار در سیره عقلا تحقق وثوق اطمینان و سکون نفس می‌باشد و این هدف، چنان‌که از خبر ثقه به دست می‌آید از خبر غیر ثقه منجر به عمل اصحاب نیز به دست می‌آید.

هـ) نقد اشکال دوم مرحوم خوئی

همان‌گونه که خبر ثقه در نزد عقلا معتبر است خبر غیر ثقه نیز با عمل اصحاب در نزد عقلا معتبر است. از این روی مناقشه محقق خوئی بر «قاعده جبر ضعف سند به عمل اصحاب» تمام نیست و مناقشه‌ای که آیت‌الله خوئی وارد کرده عبارت است از این‌که جهات عمل فقها مختلف است و استناد فقها به روایات، وجوه مختلفی دارد برخی از آنان بدین جهت به روایت عمل می‌کنند که قطع به صحت همه روایات کتب اربعه دارند و این گروه از فقها در حقیقت به قطع خود عمل می‌کنند نه به روایات. برخی از فقها به این جهت به روایات عمل می‌کنند که به گمان آنان، عدالت عبارت است از اظهار اسلام و عدم ظهور فسق، به بیان دقیق‌تر عمل این گروه از فقها بر اساس اصالة العدالة می‌باشد. گروه سوم بر طبق روایت فتوا می‌دهند چون مضمون روایت مورد اجماع اصحاب است. با توجه به این اختلاف، از عمل اصحاب، وثوق و اطمینان نسبت به صدور روایت به دست نمی‌آید. (خوئی، ۱۷۴۱، ج ۳، ص ۴۴۴)

با توجه به آراء و اقوال علمایی که تا این جا بر شمردیم تردیدی نیست که مجالی برای مناقشه محقق خوئی نیست.

۳- ۱. دیدگاه حجیت اطمینان شخصی در فرض شهرت

از کلمات برخی از فقها چنین برداشت می‌شود که اگر به وسیله عمل اصحاب برای شخص اطمینان شخصی حاصل شد همان حجت است و در غیر اینصورت نمی‌توان برای عمل اصحاب اعتباری قائل شد.

محقق خوئی معتقد است اگر چنان‌که عمل مشهور اصحاب به روایت موجب وثوق و اطمینان شخصی به صدور روایت شود در این صورت جابر ضعف سند خواهد بود اما اگر از عمل آنان وثوق شخصی حاصل نشود جابر نخواهد بود. او

در کتاب *التنقیح فی شرح الوثقی می گوید*: هرگاه عمل اصحاب، وثوق شخصی آورد جابر ضعف سند روایت می شود. اعتبار روایات یا از جهت این است که روایت خودش موثقه است یا از جهت این است که شخص به واسطه قرائن خارجی وثوق شخصی پیدا می کند. (خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۴۴۴)

همچنین در جای دیگری می گوید: «انجبار ضعف سند به عمل فقها بین اصحاب مشهور است، محقق خراسانی در کفایه این نظر را اختیار کرده و دلیلی که برای آن ذکر کرده اند این است که خبر ضعیف اگر چه به خودی خود حجت نیست و اعتباری ندارد ولی عمل مشهور اصحاب به آن باعث می شود که شخص اطمینان به صدور پیدا کند و به جهت تحقق این اطمینان در موضوع حجیت اخبار آحاد مندرج می شود.» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۳۲)

محقق خویی در ردّ این نظریه می نویسد: «اگر چنان که منظور محقق خراسانی این است که عمل مشهور باعث تحقق اطمینان شخصی برای افراد می شود اصل این مسئله و کبرای کلی اگر چه تمام است - زیرا اطمینان شخصی به بنای عقلا حجت است و اعتبار دارد چون اطمینان شخصی علم عادی به شمار می آید بدین جهت ادله که از عمل به ظن منع و نهی می کند شامل آن نمی شود - ولی صغرای قاعده ممنوع است؛ زیرا گاهی از عمل مشهور اطمینان شخصی به دست نمی آید، و اگر چنانچه منظور این است که عمل مشهور به یک روایت موجب تحقق اطمینان نوعی می شود یعنی برای نوع افراد اطمینان آور است در این صورت، قاعده هم از جهت کبرا و هم از جهت صغرا تمام دارای اشکال است. اما از جهت صغرا به جهت این است که از عمل مشهور برای نوع مردم اطمینان به صدور روایت حاصل نمی شود، اما از جهت کبرا بر فرض که برای نوع مردم اطمینان محقق شود هیچ دلیلی برای اعتبار و حجیت آن وجود ندارد. (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۷۹ و ج ۱، ص ۴۱۲ و کوبکی، بی تا، ج ۱، ص ۴۱۲) شهید صدر نیز در این نظریه با استادش آقای خویی موافق است. (صدر، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۹۲)

۱ - ۳ - ۱. دفع مناقشه آقای خویی

از آنچه در مقدمات پیش گفته بیان شد کاستی های این نظریه روشن شد؛ زیرا از

شهرت بین قدمای اصحاب، برای نوع مردم اطمینان به صدور روایت حاصل می‌شود بلکه منجر به اطمینان شخصی نیز می‌شود؛ علاوه بر این همان‌طور که اطمینان شخصی حجت عقلایی است اطمینان نوعی نیز به بنای عقلا معتبر و حجت می‌باشد.

۴ - ۱. دیدگاه حجیت قاعده در اصول متلقاة

مرحوم بروجردی در این مسئله دیدگاه دیگری را دنبال کرده که تفصیل در حجیت این قاعده است. وی شهرت را در مسائل اصلی جابر ضعف می‌داند ولی در مسائل فرعی چنین نمی‌داند او می‌گوید: «مسائل فقه بر دو قسم است: برخی از مسائل فقهی از مسائل اصولی فقه به شمار می‌آید و آنها مسائلی است که متقدمین، آنها را تلقی و دریافت کرده‌اند و در کتبی که برای نقل چنین مسائلی، تهیه و تدارک دیده بودند ذکر کرده‌اند. اتفاق فقیهان امامیه و همچنین شهرت قدمای اصحاب در مسائل اصلی معتبر است؛ زیرا این اتفاق و شهرت، کاشف از آراء ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد. در مسائل فقهی دیگری که متفرع بر این اصول می‌باشد و فقها این مسائل را از مسائل اصلی استنباط و اجتهاد کرده‌اند اجماع و اتفاق فقیهان اعتبار ندارد و چیزی از حق بی‌نیاز نمی‌کند و همچنین شهرت اصحاب نیز در این‌گونه مسائل حجت نیست. (بروجردی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۱)

۵ - ۱. نقد و بررسی نظریه حجیت شهرت در اصول متلقاة

در باب اعتبار روایات و اخبار، معیار تحقق وثوق و اطمینان است، از این روی اگر چنان‌که اکثر فقهای متقدمین بر خبر ضعیفی اعتنا و اعتماد کردند ولو در مورد مسائل تفریعی، این شهرت اصحاب معتبر و حجت می‌باشد؛ زیرا آنچه از بنای عقلا و عمل آنان ثابت است این‌که عقلا در هر موردی که اطمینان قلبی و سکون نفس دارند بر طبق آن عمل می‌کنند چه مسائل اصلی باشد یا در مسائل فرعی.

۲. آثار مباحث

از آثاری که بعد از بررسی‌های مختلف و ذکر چندین مقدمه بر قاعده مترتب می‌شود این است که بسیاری از فقها اخبار ضعیفی را در نزد قداما مورد قبول

واقع شده و مطابق با فتاوی اکثر اصحاب است بر اخباری که صحیح السند است مقدم می‌دارند.

شهید در ذکری می‌نویسد: «اگر چنان‌که شهرت مستند به حدیث ضعیفی باشد و با حدیث قوی معارضه کند به حسب ظاهر شهرت بر حدیث قوی ترجیح دارد و بر آن مقدم می‌شود؛ زیرا گاهی قولی که به امام علیه السلام نسبت داده می‌شود ما به صحت صدور آن روایت علم داریم اگر چه سند آن ضعیف باشد چنان‌که به مذاهب فرقه‌های اسلامی بواسطه اخبار آنان علم پیدا می‌کنیم اگر چه این اخبار به حد تواتر نرسیده باشد.» (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۲)

محقق سبزواری می‌گوید: «فقه‌ها، اخبار ضعیفی که قدمای اصحاب به آنها عمل کرده‌اند و فتاوی اکثر آنان مطابق با آن اخبار ضعیف است بر اخباری که سندشان صحیح است ترجیح می‌دهند.» (سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج ۱، ص ۵۰)

مولی وحید بهبهانی می‌گوید: «فقه‌ها اتفاق نظر دارند بر این‌که حدیث ضعیف به همراه عمل اصحاب، معتبر و حجت می‌باشد و تردیدی نیست در این‌که بخش معظم فقه از اخبار غیر صحیح استنباط می‌شود بلکه طریقه و روش فقها بر این است که هرگاه خبر ضعیف، منجبر با خبر صحیح غیر منجبر تعارض کند این خبر ضعیف بر خبر صحیح ترجیح داده می‌شود و فقها چنین اخبار ضعیف را بر اخبار صحیح مقدم می‌کنند و این طریقه قدمای اصحاب و بسیاری از متأخرین است.» (بهبهانی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۸۶)

۳. نتیجه

قاعده جبران ضعف سند با شهرت، یکی از قواعدی است که از دیرباز میان فقها مطرح و مورد استناد در فتوا بوده است و بعدها توسط شهید ثانی و برخی بزرگان مورد نقد قرار گرفت و در این نوشته دیدگاه‌های مختلف به همراه ادله آنها در مسئله مطرح گردید که به شرح ذیل است.

دیدگاه موافق قاعده، دیدگاه مخالف، حجیت ظن شخصی و حجیت اصول

متلقا، چهار نظریه‌ای است که در این مسئله مطرح گردیده است. در این نوشتار بررسی ادله، منجر به ترجیح قول اول که دیدگاه مشهور فقهاست گردید. بنابراین اگر روایتی دارای ضعف سندی است ولی در عین حال مورد عمل اصحاب قرار گرفته حجت است و می‌تواند مورد استناد در فتوا قرار گیرد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- اردبیلی، ملا احمد (١٤٠٥ق)، مجمع الفائدة و البرهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- اصفهانی، محمد حسین (١٤١٤ق)، نهاية الدراية في شرح الكفاية، قم: موسسه آل البيت عليه السلام.
- _____ (١٤٠٩ق)، الإجارة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- انصاری، مرتضى (١٤٢٤ق)، كتاب الطهارة، قم: مجمع الفكر الإسلامی.
- _____ (١٤٢٨ق)، فرائد الأصول، قم: مجمع الفكر الإسلامی.
- بحرانی، يوسف (١٤٠٥ق)، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- بروجردی، سيد حسين (١٤١٦ق)، البدر الزاهر في صلاة المجمع و المسافرين، (تقرير: حسينعلى منتظري) قم: دفتر حضرت آيت الله العظمى بروجردی.
- البغدادي، محمد بن نعمان (شيخ مفيد) (١٤١٠ق)، المقنعة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- بهبهانی، محمدباقر (١٤١٥ق)، الفوائد الحائرية، قم: مجمع الفكر الإسلامی.
- تبریزی، جواد بن علي (١٤٢٣ق)، التهذيب في مناسك العمرة و الحج، قم: دار التفسير.
- جوهری، اسماعيل بن حماد (١٤١٠ق)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية، لبنان: دار العلم للملايين.
- حلّی، جعفر بن حسن (محقق حلّی) (١٤٠٧ق)، المعتبر في شرح المختصر، قم: موسسه سيد الشهداء عليه السلام.
- _____ (١٤٢٣ق)، معارج الأصول، قم: مؤسسة الامام علي عليه السلام.
- حلّی، حسن بن يوسف (علامه حلّی) (١٤١٢ق)، مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، قم: دفتر تبليغات اسلامی.
- _____ (١٤٣٠ق)، منتهى المطلب في تحقيق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلاميه.
- خراسانی، محمد كاظم (آخوند خراساني) (١٤٠٩ق)، كفاية الأصول، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
- خوانساری، حسين (بي تا)، مشارق الشموس، قم: موسسه آل البيت عليه السلام.
- خويي، سيد ابوالقاسم (١٤١٧ق)، التنقيح في شرح العروة الوثقى، تقرير: ميرزا علي غروي، قم: موسسه انصاريان.
- _____ (١٤٢٢ق)، مصباح الأصول، قم: موسسه آثار الامام الخوئي.
- سبزواری، محمدباقر (١٢٤٧ق)، ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد، قم: موسسه آل البيت عليه السلام.
- صدر، سيد محمدباقر (١٤٠٧ق)، مباحث الاصول، (تقرير سيد كاظم حائري) قم: دفتر تبليغات اسلامی.

- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (۱۴۱۵ق)، المقنع، قم: مؤسسه الامام الهادی علیه السلام.
- طباطبائی، سید علی (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، قم: مؤسسه البعثة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: المكتبة المرتضوية.
- _____ (۱۴۰۳ق)، عادة الأصول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- _____ (۱۳۹۰ق)، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- عاملی حسینی، سید جواد (۱۴۱۴ق)، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- عاملی، حسن بن زین الدین (۱۰۴۶ق)، معالم الدین، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عاملی، زین الدین (شهید ثانی) (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- _____ (۱۴۲۲ق)، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: بوستان کتاب.
- _____ (۱۴۲۳ق)، الرعاية فی علم الدراية، قم: بوستان کتاب.
- عاملی، علی بن حسین (محقق ثانی) (۱۴۱۱ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- عاملی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین، مشهد: آستان قدس رضوی.
- _____ (۱۴۲۰ق)، الحبل المتین فی أحكام الدین، بیروت: دارالهادی.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) (۱۴۱۴ق)، غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۴۱۹ق)، ذکرى الشيعة فی أحكام الشريعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- عاملی، محمد بن علی موسوی (۱۴۱۱ق)، مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، لبنان: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- عراقی، ضیاء الدین (۱۴۲۰ق)، مقالات الاصول، قم: مجمع الفكر الاسلامی.
- علم الهدی، علی بن حسین (سید مرتضی) (۱۳۶۳ش)، الذریعة، تهران: دانشگاه تهران.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۳۰ق)، دراسات فی الأصول، قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار علیهم السلام.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- قمی، ابوالقاسم (میرزای قمی) (بی تا)، قوانین الاصول، بی جا: بی نا.

- _____ (١٤١٧ق)، *غنائم الأيام في مسائل الحلال و الحرام*، قم: دفتر تبليغات اسلامي.
- _____ كاشف الغطاء، جعفر (بي تا)، *كشف الغطاء*، قم: انتشارات مهدي.
- _____ كوكبي، ابوالقاسم (بي تا)، *مباني الاستنباط*، نجف الاشرف: مطبعة الآداب.
- _____ مامقاني، عبدالله (١٤١١ق)، *مقباس الهداية*، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
- _____ مجلسي، محمدباقر (١٤١٠ق)، *بحار الأنوار*، لبنان: مؤسسة الطبع و النشر.
- _____ مراغي، مير عبدالفتاح (١٤١٧ق)، *العناوين الفقهية*، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- _____ نائيني، محمد حسين (١٤١١ق) *كتاب الصلاة*، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- _____ (١٤٢٤ق)، *فوائد الاصول*، تقرير: محمدعلي كاظمي، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- _____ (١٣٥٢ش)، *أجود التقريرات*، تقرير: سيد ابوالقاسم خويي، قم: مطبعة العرفان.
- _____ (١٤١٩ق)، *أجود التقريرات*، تقرير: سيد ابوالقاسم خويي، قم: مؤسسة صاحب الأمر عليه السلام.
- _____ نجفي، محمدحسن (بي تا)، *جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام*، لبنان: دار إحياء التراث العربي.
- _____ نراقي، احمد (١٤١٧ق)، *عوائد الأيام في بيان قواعد الأحكام*، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- _____ همداني، رضا (١٤١٧ق)، *مصباح الفقيه*، قم: مؤسسه الجعفرية.
- _____ يزدي، سيد محمد كاظم (١٤١٧ق)، *العروة الوثقى*، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- _____ (١٤٢٣ق)، *حاشية المكاسب*، قم: دارالمصطفى.